



ایران در مسیر ساخت واکسن کرونا



اع...! پس حالا حالا موندگاریم!!

دارن واکسن ما رو می سازن!

شهرنگ



میانگین سن مصرف کنندگان
مواد مخدر در کشور ۲۴ سال است

معتادان: بالا خره جوان گرای رو استارت زدیم!

- یک معتاد: تا پنجاه سالگی همه مون تفریحی می کشیم و معتاد نیستیم!
 - یک مسئول: این الگوی جوان گرای رو ببینید از کجا گرفتند، بریم تهیه کنیم!
 - یک مسئول دیگر: حیف که نمی شه توی آمار آوردش وگرنه «جوان ۲۴ ساله» گزینه دهن پرکنی بود!
 - یک ۳۰ ساله سالم: من اونقدر بدبختم که حتی پول ندارم معتاد بشم!
 - یک ۲۴ ساله معتاد: از من کمترم خیلی هستا میانگین مون بیست و چهاره!
- #داریم-موفق-می‌شیم
#جوان-گرای-از-همین-جاها-شروع-میشه-شهرنگ

دقت چرخه خاطراتی که عمومی است

معلمی که کتک می زد
اما کرایه ام را
حساب می کرد!



شهاب نیوی
طنز نویس

اولین صحنه‌ای که از ورودم به مدرسه در ذهنم مانده، ناظمی است که با یک خطکش کت و کلفت که برای ایجاد رعب و وحشت بیشتر خودش رنگ قرمز جگری هم بهش زده بود، بین بچه‌ها می‌دوید و به صورت رندوم خطکش را ول می‌داد بین بچه‌ها. این برای بچه‌های سال بالایی‌تر بیشتر یک تفریح بود؛ هر چند بسیار دردناک اما برای ما تازگی داشت.

مثلا یک بار که جا خالی دادم، نخوردن خطکش به ماتحتم باعث عصبانیت ناظم شد. برای همین روند عادی خطکشی‌زنی را قطع کرد. یک دنده عقب گرفت و آمد سمتم که من شروع به فرار کردم. شاید باور نکنید اما تا دو تا خیابان آن‌ورتر من می‌دویدم و ناظم هم دنبالم که در نهایت اهالی محل من را دستگیر کردند و تحویل ناظم دادند. دومین تصویر ماندگارم از سال‌های ابتدایی مدرسه برمی‌گردد به ناظمی دیگر که روی بهداشت همه جای ما حساس بود. ناظم نه تنها ناخن و دست و مو و صورت را نگاه می‌کرد بلکه می‌گفت کفش‌ها رو هم بپنکند تا ناخن پاهاتون رو هم ببینم.

او پاهای ما را در دستش می‌گرفت و ناخن‌ها را چک می‌کرد و اگر از حدی که سازمان جهانی ناخن گفته بود بلندتر بود چوبش را در می‌آورد و جوری می‌زد کف پایمان که تا یک ماه وقتی راه می‌رفتیم انگار داشتیم بندری می‌رقصیدیم. البته بعدها فهمیدم این علاقه به تمیزی پاها می‌تواند ریشه در یک بیماری روانی داشته باشد.

سومین تصویر ماندگارم از زمان مدرسه برمی‌گردد به معلمی که کتک‌زدن‌هایش قاعده و قانون خاصی نداشت؛ مثلاً نمی‌گفت چون نمره تو ۱۵ شده، ۱۵ را ضربدر ۱۵ می‌کنیم و جواب را ضربدر ۵ نمره فاصله‌ات با بیست می‌کنیم و بعد به همان تعداد با شیلنگ گاز می‌زنمت؛ مدلس اینچوری بود که این قدر می‌زد تا مثل یک تکه گوشت بدون چربی و آماده شقه شدن بیفتی یک گوشه و دیگری نای بلند شدن نداشته باشی.

لاصعب بدون شک جای دیگری استخدام شده بود اما روز اول اشتباهی آمده بود توی مدرسه. البته ما معلم‌هایی با طبع لطیف هم داشتیم که دوستدار شعر و ادب بودند؛ مثلاً یک تصویر دیگر توی ذهنم مانده در مورد معلمی که هر روز ۱۰ دقیقه آخر کلاس همه را بلند و مجبور می‌کرد تا «آه، ای الهه ناز!» استاد بنان را با هم بخوانیم. اگر هم کاملاً درست و مثل خود مرحوم استاد نمی‌خواندیم در همان حین خواندن جوری با شیلنگ سیاه و کیودمان می‌کرد که خود استاد بنان اگر می‌دید از این تصنیف اعلام برائت می‌کرد.

اما جالب‌ترین شخصیتی که در این سال‌ها در شکنجه‌گاهی به نام مدرسه با آن روبه‌رو شدم معلم ادبیات مان بود. او کلا می‌زد؛ کاری نداشت شاگرد اولی یا آخر. من و او هر روز در یک مسیر و با یک اتوبوس رفت و آمد می‌کردیم.

توی مسیر من را کنار خودش می‌نشاند و با مهربانی رفتار و هر روز هم کرایه‌ام را حساب می‌کرد. یک بار که توی اتوبوس ازش پرسیدم پس چرا توی مدرسه دور از جان سگ، من را مثل هاپو کتک می‌زنی؟ گفت: «این همیشه یادت باشه پسر که نباید شغل، هر چی که هست، باعث بشه عواطف انسانی یادت بره. در ضمن من هیچ وقت کارم رو با زندگی اجتماعی قاتی نمی‌کنم.»

آموزش زبان از راه دور

تأثیر مخرب صفات تفضیلی بر زندگی بشر

case studies 3

فردی را در نظر بگیرید که در جست‌وجوی خانه است. او تمام اپلیکیشن‌های موجود را نصب کرده و از این بنگاه به آن بنگاه می‌رود تا خانه مورد نظرش را پیدا کند. او به دلیل آشنایی با صفات تفضیلی مدام خانه‌ها را در ذهنش مقایسه می‌کند. این عمل انرژی بسیاری از او می‌گیرد. او بی‌حال روی صندلی بنگاه می‌افتد و با این پرسش آقای بنگاهی مواجه می‌شود: شما مجرد که نیستی؟

خوشبختانه فردی که در پاراگراف قبل دچار فرسایش ذهنی ناشی از مقایسه و تصمیم‌گیری شده بود، به لطف فرهنگ غنی مسلط بر جامعه از این مخصصه نجات یافت و صورت‌مسأله برایش پاک شد. در سکانس بعدی او را می‌بینیم که به آغوش خانواده بازگشته و می‌گوید:

Dad, dad, dad, I will never talk with you this subject, single house

اجازه دهید این بار با یک زوج بیاییم. این زوج هم درگیر مقایسه خانه‌ها با همدیگر و همچنین مقایسه قیمت خانه‌ها در تهران و شهرهای سایر کشورها می‌شود که پدیده بسیار خطرناکی است. برای حل این مشکل بنگاهی وارد عمل شده و می‌گوید: «دو بیست

دیگه داری بزاری رو پول پیشته؟» بدین ترتیب کلا خانه از پی، از گزینه‌های این زوج حذف می‌شود و آنها با مسأله خرید چادر مسافرتی اکازیون برای نصب در پشت‌بام مواجه می‌شوند.

حال به سراغ کیس آخر می‌رویم. او دختری است که می‌خواهد ورزشی را انتخاب کند. با کمک مسئولان ورزشی و تکنیک حذف گزینه به یاری او می‌رویم. «ببین عزیزم ورزش‌های رزمی که اصلاً مناسب شما نیست. به روحیه لطیفت نمی‌خوره. دوچرخه سواری هم که اصلاً حرفشو نزن، خیلی بی‌چشم‌ورو شدن دخترا. فوتبال و والیبال و بسکتبال و هندبال هم واقعا که چی؟ یک توپ انداختن وسط یک سری دنبالش میدون. اصلاً شأن تو نیست دنبال توپ بدویی، توپ باید دنبال تو

سعیده حسنی

بدود، حالا این وسط یک مقدار قوانین فیزیک نقض می‌شود که اهمیتی ندارد. پاور لیفتینگ و بوکس هم که ممکن است بدن ظرفیت را از ریخت و قیافه ببندازد. بازوی حجیم به چه دردت میخوره؟ آگه برای جلب توجه نیست، پس برای چی؟ شما آگه واقعا دنبال ورزشی، صبح‌ها به زیرانداز میدناری جلوی تلویزیون تو خونه خودت، با آرامش و راحتی و بدون جلب توجه ورزش می‌کنی. حواست به طبقه پایینی‌ها باشه زیاد پیر پیر نکنی کل ساختمون خبردار بشه.

بدین ترتیب هر سه کیس مذکور از تصمیم‌گیری و مقایسه گزینه‌های موجود و استفاده از **er** و **more** و **than** بی‌نیاز شده، احساس رضایت‌مندی‌شان افزایش می‌یابد.

شهرزبا

دو چرخه سواری زنان چطور باعث مرگ و فلاکت می‌شود؟

ترافیک می‌مانند. در نتیجه سلبریتی مورد نظر نمی‌تواند سریع خودش را به لایوشبانه‌های اش برساند و به معاشقا سلام کند و عکس استیکش را نشان مان بدهد. در نتیجه معاشقا بر اثر کمبود سلام و همین‌طور ناآگاهی در مورد مزه استیک سلبریتی مورد نظر مان دچار افسردگی شده و کم‌کم فرتوت و مریض شده و به صورت همگانی در فلاکت کامل از دنیا می‌رویم.

چهار- ممکن است زنان سوار بر دوچرخه تند رکاب بزنند که این تند رکاب زدن باعث افزایش سرعت آنها و حرکت سریع‌تر چرخ می‌شود. این حرکت قطعا روی آسفالت کف خیابان تأثیر گذاشته و آن را خراشیده می‌کند. در نتیجه آسفالت مقاومت خود را از دست داده و در درازمدت باعث رانش زمین و از بین رفتن کامل لایه رویین کره زمین می‌شود. از بین رفتن یک لایه کامل از زمین ما را به هسته‌ای نزدیک تر کرده و هوای گرم‌تر خواهد کرد. با توجه به اینکه پدیده‌ها در هیچ دمایی اجازه روشن کردن کولر نمی‌دهند این گرم‌دار درازمدت باعث مرگ همگانی ما خواهد شد. البته در فلاکت کامل.



حسام جعفری
طنز نویس

با توجه به اینکه اخیراً عده‌ای در بدوین دوچرخه سواری زنان تشکیک‌های ریزی ایجاد کرده‌اند و با اینکه الان عصر دلیل و منطق و برهان است و با جوان امروز فقط باید دلیل منطقی صحبت کرد. در ادامه چند دلیل قوی برای بدوین دوچرخه سواری زنان و تأثیرات مخرب آن بر جامعه‌ا قلمه خواهیم کرد.

یک- کاملاً واضح و مشخص است که زنان در هنگام دوچرخه سواری، انرژی زیادی مصرف می‌کنند. به همین خاطر پس از دوچرخه سواری نیاز دارند که برای تأمین انرژی از دست رفته، غذای بیشتری مصرف کنند. شکی نیست که این غذا خوردن زیاد باعث از بین رفتن ذخیره مواد غذایی جهان شده و کره زمین را با قطعی فراگیر روبه‌رو خواهد کرد. در نتیجه همگی سوء تغذیه گرفته و در فلاکت می‌میریم.

دو- ممکن است زنان هنگام دوچرخه سواری با موانعی روبه‌رو شوند یا عابریاده‌ای را در مقابل خودشان ببینند که در این صورت برای جلوگیری از تصادف ناچار به بوق زدن هستند. این بوق زدن آلودگی صوتی ایجاد کرده و همه جا را آلودگی می‌کند. در نتیجه ویروس کرونا و دیگر ویروس‌های موجود مثل بی.بی.سی و تلگرام از این کثیفی استفاده کرده و همه مریض می‌کنند و باعث مرگ همگانی می‌شوند.

سه- ممکن است زنان با دوچرخه‌های خود آرام‌آرام رکاب بزنند که این آرام رکاب زدن باعث ایجاد ترافیک می‌شود. ترافیک زیاد خیابان را بند آورده و آمبولانس‌هایی که مشغول جابه‌جایی سلبریتی‌ها هستند، در

شهر فرنگ

براد هلند ... کارنوئیست



شهرنگ